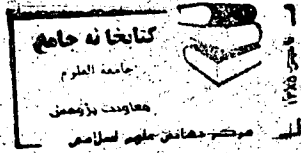


مرکز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

مبانی و اصول اخلاق عرفانی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

نگارش؛ حسین مهدی

استاد راهنما؛ رضا حبیبی

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین ذبیح الله نعیمیان

۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۱۳۴۷
تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده نویسنده می باشد.

□ هر گونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلاشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر و قدر دانی

پس از شکر و سپاس بی کران بدرگاه خداوند بخشنده و مهربان از همه کسانی که در تدوین این پایان نامه به نوعی کمک کرده اند.

مخصوصاً از استاد محترم راهنما حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای رضاحیبی زید عزه و همچنین از اساتید مشاوران قبلی حجة الاسلام و المسلمین آقای عبد الرضا مهاجر و فعلى حجة الاسلام و المسلمین آقای ذبیح الله نعیمیان حفظهما الله که مشاورت اینجانب را تقبل نمودند، تشکر و قدر دانی کرده، از خداوند منان برای این بزرگواران. توفیق روز افزون مسئلت می نمائیم.

اهداء و تقديم

به محضر مبارك حضرت ختمى مرتبت رحمة للعالمين احمد مجتبي محمد مصطفى
صلى الله عليه وآله وسلم وهمجنين بضعة الرسول، سيدة النساء العالمين، صديقة الكبرى،
حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها، وهمسر گرامى آن بانوى بزرگ، يعسوب الدين، امام
الموحدين، حضرت امير المومنين على بن ابى طالب عليه السلام، ويازده فرزندان ايشان
بالخصوص حضرت بقية الله الاعظم امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.

چکیده

این پژوهش در باره مبنای و اصول اخلاق عرفانی پرداخته که شامل کلیات بحث و در دو بخش و خاتمه تنظیم گردید. کلیات حاوی تعریف مفاهیم کلیدی و ربط بین آنها می باشد.

بخش اول مربوط به مبانی اخلاق عرفانی است که شامل سه تا فصل می باشد. فصل اول مربوط به مبانی معرفت شناختی است که شامل تعریف معرفت عرفانی و اقسام معرفت و نظریات عرفا در باره معرفت عرفانی است. فصل دوم مربوط به مبانی هستی شناختی است که در این فصل درباره وجود بحث و بررسی شده است.

فصل سوم مربوط به مبانی انسان شناختی است که شامل دو بعد انسان و عقل و اراده و اختیار انسان و قابلیت انسان برای تجلی اسماء و صفات می باشد. بخش دوم حاوی اصول اخلاق عرفانی است که در این بخش نه تا اصول (اعتدال، اخلاص، تدرج، تعقل و تفکر، تغافل، تمکن، حریت، عبودیت و کرامت) بیان شدند. و در خاتمه خلاصه کلیات و خلاصه هر دو بخش و نتایج بدست آمده از آنها مطرح گردیده است.

فهرست مطالب

کلیات

- ۱..... ضرورت تحقیق
- ۲..... بیان مسئله
- ۳..... اهداف تحقیق
- ۳..... پیشینه تحقیق
- ۵..... روش تحقیق
- ۵..... سؤالات تحقیق
- ۵..... مفاهیم کلیدی
- ۶..... الف- مفهوم اخلاق
- ۶..... ۱- اخلاق در لغت
- ۸..... ۲- اخلاق در اصطلاح
- ۱۰..... تعریف اخلاق عرفانی
- ۱۱..... ب- مفهوم عرفان
- ۱۱..... ۱- معنی و مفهوم عرفان
- ۱۳..... ۲- تاریخچه کار برد واژه عرفان

ج- مفهوم تصوف	۱۵
۱- تعریف تصوف	۱۵
۲- ریشه و اژه تصوف	۱۶
۳- تاریخچه کار کرد و اژه تصوف	۱۹
۴- نسبت تصوف و عرفان	۲۱
د- مفهوم مبانی و اصول	۲۳
معنای لغوی و اصطلاحی مبانی و اصول	۲۳
رابطه مبانی و اصول	۲۵
رابطه مبانی با اخلاق عرفانی	۲۵

بخش اول: مبانی اخلاق عرفانی

فصل اول: مبانی معرفت شناختی

تعریف معرفت	۲۹
وجوه ترجیح شهود بر برهان	۳۳
کشف و شهود بهترین منبع معرفت اند	۳۶
ابزار معرفت عرفانی	۳۷
اشاره به برخی از دیدگاه عرفا در باب معرفت عرفانی	۴۲
۱- محی الدین ابن عربی	۴۲
۲- قونوی	۴۴
۳- قیصری	۴۴
۴- شیخ اشراق	۴۵
۵- ابن ترکه	۴۶

- ۶- خواجه عبد الله انصاری..... ۴۶
- ۷- ملا حسین کاشفی..... ۴۸
- ۸- علامه حسن زاده آملی..... ۴۸
- ۹- آیه الله جوادی آملی..... ۴۹
- ۱۰- علامه محمد تقی جعفری..... ۴۹

فصل دوم مبانی هستی شناختی و الهیاتی

- معنا و مفهوم وجود..... ۵۳
- حقیقت وجود..... ۵۵
- وحدت وجود..... ۵۷
- ۱- نظریات عرفا در وحدت وجود..... ۵۷
- ۲- مقدمات استدلال بر وحدت وجود..... ۶۲
- ۳- دلایل وحدت وجود..... ۶۴
- رابطه خدا با جهان هستی..... ۶۵

فصل سوم مبانی انسان شناختی

- دو بعدی بودن انسان..... ۷۲
- الف: بعد مادی و خاکی..... ۷۲
- ب: بعد روحی و الهی..... ۷۲
- ج: رابطه بعد الهی و مادی انسان..... ۷۴
- د: صورت حقیقی انسان..... ۷۶
- انسان واجد عقل است..... ۷۸
- انسان دارای اراده و اختیار است..... ۸۱
- تنوع ظرفیتها..... ۸۵

بخش دوم اصول اخلاق عرفانی

- ۹۴..... اصل اعتدال
- ۹۷..... اصل اخلاص
- ۱۰۱..... اصل تدرّج
- ۱۰۳..... اصل تعقل و تفکر
- ۱۰۶..... اصل تزکیه
- ۱۱۷..... اصل حریت
- ۱۱۹..... اصل تمکین و تمکن
- ۱۲۲..... اصل عبودیت
- ۱۲۵..... اصل اکتساب کرامت

خاتمه

- ۱۲۸..... خلاصه و جمع بندی
- ۱۳۱..... نتایج
- ۱۳۲..... فهرست منابع و ماخذ

ضرورت تحقیق :

در این جهان مسلکهای گوناگون وجود دارند ، که پیرو هر مسلک و مذهب مدعی به حق بودن مسلک خود شان هستند . نیز برحق بودند مسلک خوداند .

مثلاً مسیحیان ، یهودیان ، هندوئیسم ، بودایها و همه مسلک خود شان را برحق می دانند . یا در فرقه های اسلامی که همه مسلمان هستند اما نظر های مختلف دارند . مثلاً صوفیها ، بوهره ها ، آغا خانی ها بریلوی ها ، امامیه ها ، که در نظر هر یکی از اینها عرفان و معرفت جداگانه است ، و هر یک از آنها خود شان را درست و نجات دهنده می دانند .

لذا برای روشن شدن وضعیت پیرو و مسلک و مذهب که کدام برحق است و کدام بر باطل چه راهی به خدا نزدیک می کند و چه راهی در ضلالت و گمراهی می برد . برای ما باید روشن شود تا از گمراه شدن نجات بیابیم . و دیگران را از مهلکه و گمراهی نجات دهیم ، و مردم را به راه حق و نجات دهنده راهنمایی کنیم برای انجام این کار لازم و ضروری است که در این زمینه تحقیقات انجام داده شود ، چون از این طریق می توان نیازهای که در این زمینه است را به حدی جبران کرد .

بدین جهت برای رفع مشکلات و ضرورت می خواهیم یک تحقیق مفید و سود مند ارائه کنیم ، و در آن تحقیق سعی می کنم که این نوشته باید برای خوانندگان جهت قبول راه حق کمک بیشتری بکند تا در ضلالت و گمراهی آلوده نشوند و راه نجات را بیابند .

بیان مسئله

از آنجا که غرض از آفرینش عالم و هدف از خلقت انسان رسیدن به مرتبه عبودیت اش و کمال عبودیت مقدمه لازمه اش اخلاق می باشد. و اخلاق که یکی از گرایش آن به عرفان می باشد اخلاق با قید توصیفی عرفان متکی است بر اخلاق و تربیتی که مبتنی بر سیر و سلوک باشد به عبارت دیگر اخلاق با این قید توصیفی (عرفان) گرایش دارد به اینکه سالک برای رسیدن به قله بلند انسانیت باید از کجا آغاز کند و چه منازل و مراحل را به ترتیب بپیماید و در منازل بین راهی چه حالاتی به او دست می دهد. و چه وارداتی خواهد داشت که این همه مراحل باید با اشرافیت و مراقبت انسان کامل ریخته که خود این را طی کرده و از راه و رسم منزل آگاه است صورت گیرد.

عرفان موضوع وسیع و گسترده ای است و نمی توان به همه مباحث در این پژوهش پرداخت لذا ما دنبال روشن ساختن بخش "مبانی و اصول اخلاق عرفانی" هستیم که انسان در این وادی قدم می نهد، لذا اول مبانی اخلاق عرفانی را معین و مشخص کنیم و مسیر خود را طبق آن مبانی معین کنیم. چون بدون تعیین مبانی حتی يك قدم رفتن هم بی معنی است. لذا از مبدأ تا منتهی مبانی را مشخص کردن لازم است.

چون مبانی اگر تنها باشند. مثل این است که کسی اراده و مقصد را ذهن و خاطر داشته باشد ولی اصول برای تحقق اراده و مقصد را نداند هرگز نمی تواند به هدف خویش برسد، لذا برای طی اصول و وصول مقصد قطعاً اصول لازم و مناسب برای هر هدف ناگزیر است بدون اصول رسیدن به مقصود ناممکن است. لذا اول تعیین مبانی لازم و ضروری است و بعد اصول متناسب جهت رسیدن به مقصد ضروری است.

اهداف تحقیق

- ۱- استخراج مبانی اخلاق عرفانی .
- ۲- تطبیق اصول اخلاق عرفانی بر آن مبانی.

پیشینه تحقیق

در باره موضوع اخلاق عرفانی کتابهای متعددی نوشته شده است اما کتابهای که در آن مبانی و اصول اخلاق عرفانی پرداخته شده باشد پیدا نمی شود. پس از بررسی و تحقیق در کتابهای اخلاق عرفانی یا مربوط به آن با استقرا می توانیم بگوئیم که هیچ کتابی بطور مجزا در موضوع مبانی و اصول اخلاق عرفانی وجود ندارد تنها در لابلای کلمات بزرگان عرفا و متصوفه آن هم خیلی کم و جزئی این بحث به چشم می خورد.

ارزیابی چند تا کتابهای مهم و عمده می تواند دلیل این ادعا و گویای انجام این تحقیق باشد.

۱- رساله قشیریه:

اثر ابوالقاسم قشیری نیشاپوری از اکابر علماء کتاب شعراء و متصوفه ذوالننون قرن پنجم (۴۶۵-۳۷۷ق) می باشد. این رساله یکی از منابع مهم و ماخذ معتبر تصوف بشمار می رود. قشیری در این رساله عمدتاً در القای مطالب بر منقولات (روایات نبوی احوال و اقوال مشایخ و...) تکیه کرده است و بیشتر به توصیف و تبیین سیره عمل و دستگاه معرفتی اصل تصوف نظر داشته است.

رساله قشیریه در مجموع با توجه به گستردگی موضوعات (شامل اصول عقاید صوفیه سیره مشایخ، شرح و مصطلحات، و مقامات و مدارج ارباب شکوک می باشد) و سازمان مناسب (که از بیان اصول عقاید و توضیح اصطلاحات شروع کرده و در نهایت به توضیح مقامات پرداخته است) و پوشش نسبت به عناوین اخلاق بندگی و دقت و امانت در نقل آراء و اقوال و متن ساده و روان می توان کتابی مفید ارزیابی کرد.

گر چه عدم طرح مسائل و عناوین مربوط به اخلاق خانوادگی و اجتماعی، عدم اشاره به اختلاف آراء در بحث اصطلاحات صوفیه و عدم مراعات ترتیب در بیان مقامات ارزش کتاب را پائین آورده.

نقاط قوت و ضعف کتاب نسبت به موضوع مورد تحقیق ما این کتاب بطور عموم چیزی ندارد.

۲- کتاب اللمع

سراج طوسی از مشهورترین و با سابقه ترین کتابی است که مطالب عرفانی بیش از تنوع و گستردگی قابل توجهی برخوردار است و در نوشته های قبل از ابو نصر سراج مثل مباحث متنوع عرفانی بچشم نمی خورد و دارای نقاط شایان توجهی است که علاوه بر جامعیت عناوین از ترتیب نسبتاً منظم و قابل قبول میان ابواب و فصول روانی قلم بهره گیری مناسب از آیات و روایات حفظ میراث شفاهی متقدم و گردآوری کلمات قصار مکتوب و پراکنده مشایخ صوفیه صدر اول بر خوردار است.

در عین حال عاری از بحث مبانی و اصول اخلاق عرفانی می باشد و پاره ای از فصول این کتاب برای آشنائی کلی مبتدیان با تصوف و اخلاق عرفانی اسلامی نسبتاً خسته کننده می باشد.

۳- قوت القلوب

از آثار ابوطالب مکی می باشد که این کتاب برای پوشش دادن عناوین اخلاق عرفانی اگر نگوییم جامع ترین نوشته های حد اقل یکی از چشمگیرترین آثار مکتب عرفانی است و بی شک کتاب قوت القلوب از آثار کم نظیر اخلاق عرفانی است که نقاط قوت این کتاب عبارت اند از جامعیت عناوین و پوشش مناسب حوزه های اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق خانواده و اخلاق اجتماعی دارای یکی دستگاه عرفانی متشرعانه، تلاش مجدانه برای عنایت ویژه به قرآن کریم و کوشش برای کشف و رهنمودهای تربیتی آن با این حال دچار پاره ای از نقاط ضعف ها نیز هست. از جمله تهی بودن از ساختار منطقی و فقدان بترتیب روشن و ترتیب مشخص میان فصول چهل و هشت گانه کتاب به اطناب کشیده شدن مطالب در برخی از فصول و... در مجموع باید گفت يك تنظيم و تلخیص کارشناسانه از کتاب قوت القلوب را از خودش خوان ترین مصادر اندیشه اخلاق اسلامی در رویکرد عرفانی قرار می دهد و تاثیر تقاطع بر عرفانی بزرگ پس از خود از جایگاه ممتاز در صدر ماخذ اخلاق عرفانی برخوردار است.

با این همه نسبت به بیان و اشاره به مبانی و اصول اخلاق عرفانی بطور کلی عاری است اما بصورت خیلی جزئی و ریز تلویحا عنایتی به برخی روشهای اخلاق عرفانی دارد.

۴- مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة:

در این کتاب عزالدین محمود کاشانی به بیان علوم معارف و اصطلاحات و اعمال و اخلاق

مقامات و احوال عرفا اختصاص داده است .

۵- مقالات:

مقالات آقای محمد شجاعی در باره مبانی عرفان کتابی قابل توجه است این کتاب سه جلدی، جلد اول شامل مبانی شناخت و جلدی دوم شامل مقدمات تزکیه عمل و جلد سوم به تزکیه عمل اختصاصی یافته.

نسبت به موضوع ما کتابی نسبتاً خوبی است ولی مطالب کتاب ما را از کتابهای دیگر بی نیاز نمی کند.

روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی است.

در گام اول پیشینه های عام و خاص را لیست کردیم و بعد با توصیف و مقایسه بین کتابهای اخلاق عرفانی مطالب مهم را استخراج کرده در نهایت با تحلیل مطالب به موضوع بندی و تنظیم تحقیق پرداخته شد. و بحثهای را بصورت تجزیه ای حل و فصل نمودیم که به يك نحوی بمقایسه و موازنه در دید گاه های بزرگان تصوف و عرفان در آمد

سوالات تحقیق

این تحقیق در واقع در پی پاسخ گوئی دو سؤال اصلی و چند سؤال فرعی می باشد.

سؤالات اصلی - مبانی و اصول اخلاق عرفانی کدامند؟

سؤالات فرعی - بر اساس مبانی مذکور چه اصول تربیت عرفانی می توان استخراج کرد؟

۱- مبانی معرفت شناختی عرفان چیست؟

۲- مبانی هستی هستی شناختی عرفان چیست؟

۳- مبانی انسان شناختی عرفان چیست؟

۴- اصول و قواعد دستیابی به مقامات فوق کدامند؟

مفاهیم کلیدی

اخلاق

تعریف اخلاق بر دو محور مورد بحث قرار دارد.

۱- اخلاق را بر محور لغت تعریف می‌کنیم و پس از آن اخلاق را از نظر علمای اخلاق مورد بحث قرار می‌دهیم.

اخلاق در لغت:

در لغت معنی گوناگونی برای اخلاق ذکر شده اند و این همه معنی با هم پیوسته و در تعریف اخلاق نقش خاص را ایفا می‌کنند. باتوجه به تعبیرات و معانی که در تعریف اخلاق در لغت ذکر شده اخلاق را دسته بندی می‌کنیم.

الف: اخلاق بمعنی اندازه گیری و صاف بودن شیء، و طبیعت آمده.

فراهیدی؛ در "العین" خُلُق و خُلُق را بمعنی اندازه گیری، صاف بودن چیزی، و طبیعت آورده است: خُلُق الخلیقة والخُلُق والخلیقة: الطبیعة والجمیع الخلائق والخلائق: "نقر فی السماء و خلقت الادیم: قدرته" ۱.

خلق بمعنی خلیقه و خلیقت بمعنی طبیعت آمده است و بر همه اینها خلائق اطلاق می‌شود و خلائق معنایش این است که ما در بلندی مستقر می‌شویم و من آدمی را خلق نمودم یعنی اندازه گیری نمودم.

ب: بعضی از اهل لغت در تعریف اخلاق علاوه از اندازه گیری و شفاف بودن چیزی بجای طبیعت سجیت را لحاظ کرده اند.

ابن فارس در تعریف اخلاق همین سه معنی را لحاظ کرده است. بمعنی اندازه گیری:

(۱) الفراهیدی، عبد الرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، ص ۶۲۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

خلقت الادیم للسقاء وقدرته.؛ من آدمی را برای کسب کمال خلق کردم و اندازه
گیریش نمودم. وبمعنی صاف بودن چیزی نظیر تعبیر: **صخرة خلقاء؛ سنگ صاف**
و شفاف. وبمعنی سجیه.؛ **ومن ذالك الخلق وهی السجیة لان صاحبه قد قدر علیه**
وفلانخلق كذا؛ والجمع اخلاق؛ واز ماده خُلُق خُلُق بمعنی سجیه آمده به این معنی که
برای صاحبش این خلق ملکه می شود و جمع آن اخلاق است ۱

مصباح المنیر و صحاح اللغة نیز با کمی تفاوت در تعبیر اخلاق را همین معنی کرده اند. ۲.
ج: عده ای در تعریف اخلاق فقط بر سجیت تکیه نموده اند.

جوهری در صحاح اللغة: **الخلق والخُلُق: السجیة یقال خالص المومن وخالص الفاجر**
وفلان یتخلق بغير خلقه ای یتكلفه؛ خلق و خُلُق بمعنی سجیه می آید آن که گفته می شود
داری سرشت مومن و سرشت فاجر و فلان کس بزور به خلق روی می آورد یعنی در خلق
ورزیدن تخلف و زور به فرض می دهد. ۳

فیومی نیز اخلاق را به سجیه تعریف کرده: **والخُلُق بضم تین: السجیة.** خلق بمعنی
سرشت است. ۴

خلق و خُلُق در لغت علاوه از سجیت و طبیعت بمعنی مروت و دین نیز آمده است.
در تاج العروس خلق و خلق بمعنی سجیت و طبیعت و نیز دین و مروت ذکر شده است.
والخلق بالضم والضمیتین: السجیة وهو ما خلق علیه من (الطبع) ... والمروة والدين
والجمع اخلاق. خلق و خلق بمعنی سرشت و طبیعت و مروت و دین می آید و جمع این دو تا
اخلاق می باشد. ۵

(۱) ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، مصر، مصطفى البابی الحلبي، ط ۲، ۱۳۸۹ هـ ق -

۱۹۶۹ م، ج ۲ ص ۱۴-۲۱۳.

(۲) فیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، مصباح المنیر، منشورات دارالهجرة، قم، ص ۱۸۰.

(۳) جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، دارالعلم للملایین، ج ۳ ص ۱۴۷۱.

(۴) فیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، مصباح المنیر، منشورات دارالهجرة، قم، ص ۱۸۰.

(۵) زبیدی، سید مرتضی حسینی، تاج العروس، دارالفکر، ج ۶ ص ۳۳۷.

فیروز آبادی نیز با کمی تفاوت در تعبیر علاوه از سجیة و سرشت و طبیعت مروت و دین را در تعریف اخلاق ذکر می کند: **والخلق بالضم وبالضمتین: السجیة والطبع والمروة والدین. خُلُقٌ وُخُلُقٌ** بمعنی سرشت و طبیعت و مروت و دین می آید.

برخی از لغویین بین خُلُقٌ وُخُلُقٌ تفاوت قایل شده اند.

راغب اصفهانی خُلُقٌ را به کیفیات و شکلها و صورتهای که بواسطه چشم دیده می شود و درک می گردد اختصاص داده. وُخُلُقٌ را به نیروها و سرشتهای که با بصیرت فهمیده می شود اختصاص داده است. برای شاهد مثال آیه **”اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ“** آورده. ۱.

اخلاق در اصطلاح

علمای اخلاق اخلاق را طبق سلیق خود شان تعریف می کنند تعریفی که علمای اخلاق در کتب اخلاق ذکر کرده اند ما آن را دسته بندی می کنیم.

الف: اکثر علمای اخلاق، اخلاق را بر مدار ملکات نفسانی تعریف می کنند که بوسیله آن فعل از نفس بدون فکر و اندیشه صادر می شود.

ابن مسکویه در تعریف اخلاق می گوید: **”اخلاق عبارت است عبارت از ملکه ای است که بواسطه آن فعل از نفس به آسانی و بدون بکار بردن اندیشه صادر می شود“**. ۲.

ملا مهدی نراقی در تعریف اخلاق گوید: **”الْخُلُقُ عبارة عن ملكة للنفس مقتضية لصدور الافعال بسهولة من دون اختيار الى فکر و روية“**. اخلاق عبارت است از ملکه ای نفسانی که تقتضای کننده صادر شدن افعال با آسانی و بدون فکر و اندیشه می باشد. ۳.

علامه مجلسی^۳ در تعریف اخلاق می گوید که اخلاق عبارت است از ملکه نفسانی بوسیله آن فعل از نفس بدون اندیشه صادر می شود. ۴.

(۱) المفردات راغب اصفهانی، ص ۱۵۹.

(۲) رازی، ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق، ترجمه علی اصغر حلبی، ص ۱۱.

(۳) نراقی، ملا احمد، جامع السعادات، ج ۱ ص ۲۶ اسماعیلیان، قم.

(۴) مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار ج ۶۷، باب ۵۹ ص ۲۷۲، ذیل حدیث ۱۸، ۲، دار احیاء التراث العربی، الطبعة

الثالثة، ۱۴۰۳ هـ ق، بیروت.

ب: گروهی از دانشمندان اخلاق را با تغییر ملکات نفسانی به حالت راسخ نفسانی نوعاً همین تعریف می‌کند.

یحیی ابن عدی (متوفی قرن چهارم) در تعریف اخلاق می‌نویسد: "ان الخلق هو حال النفس بها يفعل الانسان افعاله بلا روية ولا اختيار والخلق قد يكون في بعض الناس غريزة وطبعاً وفي بعضهم لا يكون". اخلاق از حالتی نفس است که آدمی کارهای خویش را با آن بدون اندیشه و اختیار انجام می‌دهد اخلاق گاهی در افراد غریزی و فطری است و در بعضی دیگر در سایه تمرینها وجد و جهدها حاصل می‌گردد. ۱.

غزالی اخلاق را حالتی نفسانی ذکر می‌کند که انسان بدون نیاز به تفکر و تأمل به سمت وسوی کار حرکت کند. ۲.

ابن مسکویه رازی در تهذیب الاخلاق می‌گوید: اخلاق جمع خلق و خُلق می‌باشد و بیشتر به صورت جمع بکار می‌رود، و این که آن را بلفظ جمع استعمال می‌کنند ولو در مواردی که يك خلق مخصوص در نظر باشد. ظاهراً برای دوری از اشتباه دو لفظ خُلق و خُلُق به هم دیگر است.

ج: بعضی از دانشمندان با تقسیم اخلاق بر حسنه و سیئه بر اکتساب ارزش و دوری از صفات و اعمال ضد ارزش تأکید می‌کند. و نوعاً این تعریف اخلاق تعریف ترکیبی عده‌ای از علمای اخلاق می‌باشد.

علم اخلاق علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیلی صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری

(۱) یحیی بن عدی بن زکریا، تهذیب الاخلاق با مقدمه و تصحیح دکتر محمد دامادی، ص ۵-۴۷.

(۲) ابو علی مسکویه، کیمیای سعادت، ص ۵۷، ۵۸، ترجمه طهارة الاعراق. مرزا ابو طالب زنجانی، چاپ ۱۳۷۵ تهران.

از صفات نفسانی بد و اعمال نا پسند را نشان می دهد. ۱.

تعریف اخلاق عرفانی

اخلاق عرفانی، با تعریف انفرادی و ترکیبی اخلاق زمینه نزدیکی اخلاق به عرفان هم روشن می شود. یعنی اگر ما با اخلاق قید عرفان یا عرفانی بزنیم این در حقیقت قید توصیفی برای اخلاق می باشد به این معنی که با این قید توصیفی (عرفانی) این اخلاق تکیه بر تربیت اخلاقی و سیر و سلوک دارد، که در این تو اخلاق تلاش های زیادی را برای ترسیم يك سیستم و نظام اخلاقی در چار چوب عرفان و معرفت و تعیین مبدا و مقصد آن و منازل و مراحل می که در بین راه وجود دارد و وسایل و لوازمی که در منزل بکار مسافر این راه می آید مصروف داشته است.

محور این اخلاق (عرفانی) مبارزه و مجاهده نفس بقصد وصول به مقامات و مراتب نهایی است.

به عبارت دیگر اخلاق با توصیفی (عرفان) گرایش دارد به این که سالک برای رسیدن به قلعه بلند انسانیت باید از کجا آغاز کند و چه منازل و مراحل را به ترتیب به پیماید و در منازل بین راه حالاتی به او دست می دهد و چه وارداتی خواهد داشت، و این همه مراحل باید با اشراف و مراقبت انسان کامل که خود این راه را طی کرده و از راه و رسم منازل آگاه است صورت گیرد. ۲.

(۱) ابن نسکویه، تہذیب الاخلاق و تطہیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۱ ش ص ۲۷، و، ر، ک، به، اخلاق ناصری،
خواجہ نصیرالدین طوسی، شیراز، انتشارات علمیه اسلامیہ، (بی تا) ص ۴۸، و، ر، ک، به، جامع السعادات نراقی،
اسماعیلیان، قم، (بی تا) ج ۱ ص ۲۷ - ۲۶، و، ر، ک، به، اسفار الاربعہ، صدر الدین شیرازی (ملا صدرا) - مصطفوی، قم،
(بی تا) ج ۴ ص ۱۱۷ - ۱۱۶.

(۲) اقتباس از، مظہری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی بخش عرفان، ص ۱۸۱ - ۱۸۶، انتشارات صدرا، قم ۱۳۷۱.